



لیلا خدام
کارشناس ارشد کلام و عقاید اسلامی

روش‌شناسی قرآن کریم در آموزش توحید به سبک پرسش و پاسخ

خانم لیلا خدام، کارشناس ارشد کلام و عقاید اسلامی است ایشان تاکنون چند مقاله برای مجله ارسال کرده است. کارهای ایشان در ارتباط با «روش‌شناسی قرآن کریم» در بیان موضوعات گوناگون بوده و به گفته‌ی خودشان حاصل زحمات تدریس و پژوهش ایشان در این زمینه است. امیدواریم با مطالعه‌ی این مقاله، در تدریس بخش‌های توحید کتاب دینی و قرآن موفق‌تر عمل کنیم.

آموزش به روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در قرآن و سنت در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید، از آن استفاده شده است

چکیده

را به تفکر درباره‌ی مفهومی جدید و یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. در این روش، دانش‌آموز سعی می‌کند با فعالیت‌های ذهنی از معلوم به سؤالی مجهول حرکت کند. این روش را «روش سقراطی» نیز نامیده‌اند. در این رویکرد، معلم به هنگام جلب توجه دانش‌آموزان به مطلب جدید و تدریس آن، مستقیماً به بیان مطلب نمی‌پردازد، بلکه با طرح سؤال‌های برنامه‌ریزی شده، فعالیت ذهنی دانش‌آموزان را در مسیر مطالب و مفاهیم جدید قرار می‌دهد و آن را هدایت می‌کند تا خودشان به کشف مفاهیم جدید دست یابند. این روش برای مرور مطالبی که قبلاً آموخته شده‌اند، ارزش‌یابی میزان درکی که دانش‌آموزان از مفهوم درس دارند و همچنین برای پرورش قدرت تفکر و استدلال روش بسیار مناسبی است. البته باید توجه داشت که سؤالات باید با توجه به زمینه‌های علمی دانش‌آموزان و به گونه‌ای طرح شوند که توجه آنان را برانگیزد و ذهن آنان را به حرکت درآورد. هدف اساسی این روش، تحریک تفکر، تشخیص توانایی‌ها و علائق، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از تجارب و دانسته‌های گذشته، و ایجاد اعتماد به نفس در دانش‌آموز است [پیشین؛ شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۴۶-۲۴۷].

اصول روش پرسش و پاسخ

روش پرسش و پاسخ بر سه اصل متکی است که عبارت‌اند از:

- برانگیختن حس کنجکاوی در دانش‌آموزان؛
- طرح سؤال‌های متوالی؛
- هدایت ذهن یادگیرنده برای کشف آگاهانه‌ی مسئله (خود اکتشافی) [شعبانی، ۱۳۸۵: ۴۴۷].

«روش پرسش و پاسخ» یکی از روش‌های آموزشی است که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. در این روش، معلم به‌طور مستقیم به تدریس مطالب نمی‌پردازد، بلکه با طرح چند سؤال و بهره‌گیری از معلومات دانش‌آموزان، ذهن آنان را به مطلب موردنظر رهنمون می‌شود و آنان را برای رسیدن به مجهول، به تلاش و تفکر وامی‌دارد. آموزش به روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در قرآن و سنت در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید، از آن استفاده شده است. در این مقاله به نمونه‌ای از آن اشاره خواهد شد.

کلید واژه‌ها: قرآن، توحید، آموزش، روش آموزش، روش‌های تعلیمی، روش پرسش و پاسخ.

درآمد

تدریس به شیوه‌ی پرسش و پاسخ سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد، هر چند که به شکل غیررسمی و ابتدایی بوده است. صورت رسمی کاربرد این روش در آموزش، به زمان **سقراط**، فیلسوف یونانی (۳۹۹-۴۷۰ قبل از میلاد مسیح) برمی‌گردد. سقراط این روش را به‌جای «گفتار یک‌سویه» برگزید. روشی که او پیش گرفت، گونه‌ای «گفت‌گو» بود. او تلاش می‌کرد به سنجش عقیده و دانش کسانی که با آنان در گفت‌وگوست بپردازد تا با نشان دادن نادرستی آن‌ها به خودشان، آنان را به اندیشیدن و جست‌وجو برانگیزد. سقراط با استفاده از پرسیدن سؤال، یادگیرندگان را به فکر وامی‌داشت و بنیان ایده‌ها و دانسته‌های نادرست را متزلزل می‌کرد تا نتیجه‌ای که مورد نظر او بود، حاصل شود [آقازاده، ۱۳۸۴: ۳۴۱].

الف) توضیح روش پرسش و پاسخ

در تدریس به شیوه‌ی پرسش و پاسخ، معلم دانش‌آموز

ویژگی‌های سؤال

معلم علاوه بر رعایت اصول سه‌گانه‌ی فوق، باید نکات زیر را نیز در طراحی سؤال مدنظر داشته باشد:

- سؤال باید روشن و واضح باشد و اصطلاحات و مطالب نامأنوس نداشته باشد تا دانش‌آموز معنی دیگری از آن برداشت نکند.
- در سؤال باید از کلمات ساده استفاده شود. زیرا سؤال باید دانش، نگرش و مهارت فراگیرنده را بسنجد، نه مهارت زبانی او را.
- سؤال باید معقول باشد و با میزان دانش و فهم گیرنده متناسب باشد.
- سؤال باید مرتبط با بحث مورد نظر باشد.
- سؤال باید تفکر برانگیز و چالش‌افزا باشد، نه پیش‌پافتاده.
- سؤال نباید طوری طرح شود که جواب آن فقط بله و یا خیر و یا یک جمله‌ی کوتاه باشد. زیرا باید دانش‌آموز را به تفکر وا دارد.

- برای به تفکر واداشتن دانش‌آموزان، در پی پرسش و طرح سؤال‌هایی باشیم که با واژه‌های استفهامی، نظیر چه زمانی، چه‌طور، کجا و... آغاز شوند.
- سؤال‌هایی باید پرسیده شود که دانش‌آموزان را وادار کند، دست به مقایسه، تفسیر، تحقیق، استنباط، حدس و... بزنند.
- سؤال باید منظور مشخصی را تعقیب کند و هدفدار باشد.
- سؤال باید حتی‌الامکان مختصر و با سن، استعداد و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموز تناسب داشته باشد.
- سؤال نباید فقط حافظه و معلومات حفظی را بسنجد؛ جمله‌ای که برای سؤال به کار می‌رود، حاوی چند سؤال نباشد؛ بلکه فقط یک سؤال را مطرح کند؛
- سؤال نباید جواب را هم دربر داشته باشد [همان، ص ۳۴۴-۳۴۲؛ صفری، ۱۳۸۵: ۲۲۰: ۲۱۹].

ویژگی‌های جواب

هنگام ارائه‌ی پاسخ، معلم باید به دو نکته‌ی زیر دقت کند:

اول آن‌که نباید میان پرسش و پاسخ از نظر زمانی فاصله‌ای نامعقول وجود داشته باشد. چرا که به‌طور طبیعی، انگیزه‌ی فهم مطلب در زمان ایراد سؤال برای سؤال‌کننده، به مراتب بیشتر از زمانی است که پاسخ سؤال خود را با تأخیر دریافت کند.

و دوم آن‌که معلم هنگام ارائه‌ی پاسخ به سؤالات، بهتر است پاسخ به هر سؤال را به شکل متمایز، جداگانه و مشخصی در اختیار پرسش‌گر قرار دهد تا از بروز هر گونه تداخل میان پاسخ‌ها و در نتیجه سرگردانی او، جلوگیری کند [برومند، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۱۹].

ب) روش پرسش و پاسخ در قرآن و سنت

روش پرسش و پاسخ از جمله روش‌هایی است که در قرآن از آن استفاده شده و از سوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و معصومین (علیهم‌السلام) نیز مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در سیره‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آورده‌اند که ایشان در روند آموزش و تعلیم خود، در موارد زیادی سؤال می‌کرد تا جواب سؤال، یا به واسطه‌ی خود فراگیرندگان به‌دست آید و یا به جواب سؤال نزدیک شوند و یا حداقل زمینه‌ی بهتری برای پاسخ صحیح توسط خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فراهم آید. در این روش، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ضمن بیرون کشیدن اطلاعات مخاطبین و ارزیابی وسعت دایره‌ی اطلاعات آن‌ها، متناسب با آن، جواب می‌داد. نکته‌ی جالب آن است که پرسش‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کاملاً به‌صورت دقیق و متناسب با موقعیت و در فاصله‌های زمانی مشخصی بود تا مخاطب خود شخصاً درگیر موضوع شود و فرصت تفکر بیابد [سروریان، ۱۳۸۵: ۹-۵].

در قرآن نیز، در موقعیت‌ها و موضوعات متفاوت از این روش استفاده شده است که به نمونه‌ای از این آیات در موضوع توحید اشاره می‌شود.

آنان که به صانع خود اقرار دارند، بر دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که موحد هستند و معتقدند که صانع یکتاست و چیزی شریک او نیست، و دسته‌ی دیگر مشرکاند

آیهی ۲۱ سورهی مبارکهی یونس می‌فرماید:

«قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک السمع والابصر و من یرج الحی من المیت و یرج المیت من الحی و من یدبر الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون»؛ بگو کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا کیست که بر شنوایی و بینایی‌ها فرمانرواست؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدای. بگو: پس آیا [از کیفر پرستش غیر او] نمی‌پرهیزید؟!]

بیان تفسیر آیه

«قل من یرزقکم من السماء»؛ ای محمد به این مشرکان بگو: - از این بت‌هایی که می‌پرستید- کیست که از آسمان، به وسیلهی فرو فرستادن باران، شما را روزی دهد؟ «و الارض»؛ و از زمین با بیرون آوردن گیاه و انواع میوه‌جات روزی‌تان دهد. و گفته شده است: از آسمان با تقدیر روزی دهد و از زمین به وسیلهی تسبیب روزی نماید [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰].

«امن یملک السمع والابصار»؛ کیست که بر قوهی شنوایی و بینایی (شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها) شما مالک و فرمانرواست؟ چنان‌چه بخواهد، قوهی شنوایی شما را زیاد می‌کند و اگر بخواهد، آن را از شما سلب و شما را کم می‌کند. هم‌چنین، چنان‌چه بخواهد، نور چشمان شما را زیاد می‌کند و یا اگر بخواهد، نور آن را از بین می‌برد و شما را کور قرار می‌دهد [پیشین].

صاحب «تفسیر بیان السعاده»، علت این‌که در این آیه از میان تمام قوای مدرک، به مدرکات جزئی محسوس اکتفا شده و از بین آن‌ها، شریف‌ترین و نافع‌ترین آن‌ها برای انسان که چشم و گوش باشد، ذکر شده است را در این می‌داند که مملوک بودن قوای دیگر غیر از چشم و گوش، به‌طریق اولی است و مقصود از مالک بودن خدای تعالی این است که آن‌ها تحت قدرت او هستند؛ به نحوی که احدی جز خدا در آن‌ها دخالتی ندارد [گنابادی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲: ۳۰۱].

«و من یرج الحی من المیت و یرج المیت من الحی»؛ و کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ [ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۰: ۱۳۹]. مفسران در تفسیر این عبارت، اقوال مختلفی را ذکر کرده‌اند؛ مانند خارج کردن زنده از نطفه و نطفه از زنده [طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۷۱]. و یا خارج کردن جوجه از تخم و تخم از پرنده و یا خارج کردن انسان از نطفه و نطفه از انسان و یا خارج کردن مؤمن از کافر، و کافر از مؤمن و... [ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۷۲] که همه‌ی این اقوال بیانگر مصادیقی از تفسیر کلی آیه - یعنی خارج کردن زنده از مرده و مرده از زنده هستند.

«و من یدبر الامر»؛ و کیست که امر آسمان و زمین و آن‌چه در آن‌هاست و امر شما و امر خلق را تدبیر کند؟ [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰]. کیست که همه کارها را بر طبق حکمت در آسمان و زمین تدبیر کند؟ [طبری، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۲].

«فسیقولون الله»؛ به‌زودی اعتراف کنند که او خدای تعالی است که همه‌ی این کارها را انجام دهد، و بت‌ها قدرت آن را ندارند [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰]. صاحب «مجمع البیان» می‌نویسد: از این آیه استفاده می‌شود که اینان به خالق و آفریدگار خود اعتراف و اقرار داشتند، اگرچه مشرک بودند. زیرا جمهور عاقلان - به‌جز اندکی از ملحدان از فلاسفه - خدا را اقرار دارند. و آنان که به صانع خود اقرار دارند، بر دو دسته تقسیم شوند: دسته‌ای

که موحد هستند و معتقدند که صانع یکتاست و چیزی شریک او نیست، و دسته‌ی دیگر مشرکانند [طبری، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۲]. و ابن عاشور می‌گوید که همانا خداوند از ایشان خبر می‌دهد که آن‌ها معترفاند که رازق، خالق و مدبر، همان خداست؛ زیرا ایشان غیر از این معتقد نبودند. همان‌طور که این خبر از ایشان در آیات بسیاری از قرآن تکرار شده و این نوعی تحدی برای ایشان است. زیرا اگر می‌توانستند، این نسبتی که به ایشان داده

یکی از روش‌هایی که برای تعلیم توحید به مشرکان می‌توان از آن استفاده کرد، اعتراف گرفتن از خود آن‌هاست، یعنی از معلومات و مقبولات آنان استفاده شود

داشت، تا آن رب از پرستنده‌ی خود راضی شود و با رضایت خود بر کاتش را بر او ارزانی دارد و خشم و غضبش را از او باز دارد. حتی که علیه این عقیده خرافی اقامه شده این است که تدبیر عالم انسانی و سایر موجودات، همه و همه به دست خدای سبحان است، نه به دست غیر او، براساس آن چه که مشرکین، خود، به آن معترف بودند. پس واجب است، تنها او را یگانه در ربوبیت بدانند و غیر او را نپرستند [طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق. ج ۱۰: ۵۰].

در تفاسیر دیگر نیز، ذیل این آیه تفسیری مشابه تفسیر طبری بیان شده است [ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ هـ.ق. ج ۱۰: ۱۳۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق. ج ۲: ۳۴۵؛ طبرسی، بی تا، ج ۵: ۱۶۲].

روش تعلیم توحید در آیه

در این آیه، خداوند مشرکان را مورد خطاب قرار داده است^۱ و از آنان می‌پرسد: رازق آنان کیست و چه کسی از آسمان و زمین به آنان روزی می‌دهد؟ و باز از حواس آنان پرس‌وجو می‌کند و از بین این حواس به دو قوه‌ی شنوایی و بینایی اشاره می‌کند و می‌پرسد: چه کسی در این دو قوه مالک و فرمانرواست؟ در ادامه، از خارج‌کننده‌ی زنده از مرده و مرده از زنده سؤال می‌کند و در پایان از مدبر این جهان می‌پرسد و می‌گوید: چه کسی امر آسمان و زمین و آن چه در آن‌هاست و امر شما و امر خلق را تدبیر می‌کند؟ خداوند با طرح این سؤالات مخاطبین آیه را به تفکر وادار می‌دارد تا درباره‌ی رازق، مالک، خالق و مدبر این جهان فکر کنند و از این طریق به اشتباه خود در مورد عبادت بت‌ها پی ببرند. بدانند آن کسی که شایسته‌ی عبادت است، تنها خداوند یکتاست که رازق، مالک و مدبر همه‌ی اشیاست، نه بت‌هایی که هیچ‌نفع و ضرری نمی‌توانند برسانند.

در ادامه و پس از آن که با طرح سؤالات مذکور مخاطبان را به تفکر واداشت، می‌گوید آنان در پاسخ خواهند گفت: «الله» و این بیانگر آن است که آنان به رازقیت، مالکیت و مدبر بودن خداوند معترف بودند و خداوند با طرح این

می‌شود را انکار می‌کردند، ولیکن ترس ایشان از ننگ کذب، ایشان را از آن منصرف می‌کند. لذا خداوند برایشان حجتی اقامه می‌کند و می‌فرماید: «فقل افلا تتقون» [ابن‌عاشورا، بی تا، ج ۱۱: ۷۳].

«فقل افلا تتقون»: چون این اعتراف را کردند، بگو: آیا در مورد پرستش بت‌ها و عبادت شیئی همراه با عبادت خداوند، از عقاب خدا نمی‌ترسید؟ در حالی که آن شیء نه به شمار روزی می‌دهد و نه این که برای شما ضرر و نفعی را مالک است و نه کاری انجام می‌دهد [طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق. ج ۱۱: ۸۰].

فخر رازی، در تفسیر «فسیقولون الله فقل افلا تتقون» می‌نویسد: خدای تعالی بیان کرد که ای رسول، اگر از مدبر این امور از ایشان سؤال کنی، در پاسخ می‌گویند: خدای تعالی. این دلالت می‌کند که مخاطبین این کلام، خدا را می‌شناختند و به آن اقرار داشتند. و اینان کسانی هستند که در عبادت بت‌ها می‌گفتند ما به وسیله‌ی این بت‌ها، به خداوند تقرب می‌جوئیم و اینان نزد خدا شفاعت ما را خواهند کرد. در حالی که می‌دانستند که این بت‌ها نه نفعی دارند و نه ضرری می‌رسانند. پس به همین خاطر به رسولش می‌گوید: «فقل افلا تتقون»، یعنی چرا پرهیز نمی‌کنید از این که این بت‌ها را در عبادت شریک خدا قرار ندهید، با این که اعتراف می‌کنید که همه خیرها در دنیا و آخرت از رحمت و احسان خداوند است و اعتراف می‌کنید که این بت‌ها نفع و ضرری ندارند [فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق. ج ۱۷: ۲۴۷].

علامه آورده است که: در این آیه حجتی قاطع بر ربوبیت خدای تعالی برای وثنی‌ها و بت‌پرستان اقامه شده است. بدین منوال که بت‌پرستان با پرستش بت‌ها و ارباب بت‌ها را می‌پرستیدند که به عقیده‌ی آنان، مدبر عالم کون بود و هر یک از آن رب‌های گوناگون را به خاطر تدبیر خاصی که آن رب داشت، می‌پرستیدند. مثلاً ساکنان سواحل، رب دریا را می‌پرستیدند و ساکنان کوهستان‌ها، رب کوه‌ها را و هم‌چنین اهل هر رشته از علوم صناعات، و اهل جنگ و غارت، و هر طایفه‌ای دیگر ربی را می‌پرستیدند که تدبیر آن رب با هم و غم و هدفی که آنان از عبادت داشتند، تناسب

سؤالات، مقبولات و مسلمات آنان را به خودشان یادآور شد. از همین مقبولات و مسلمات نیز آنان را به نتیجه‌ی نهایی که همان پرستش خداوند یکتا و نفی عبادت بت‌هاست، رهنمون شد. و سرانجام آنان را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که: «شما می‌دانید و اقرار می‌کنید که آفریدگار و کردگار همه چیز، الله است، پس چرا تقواییش نمی‌کنید و علی‌رغم این دانشتان، باز هم بت‌ها را می‌پرستید و به خدای تعالی شرک می‌ورزید؟»

پس یکی از روش‌هایی که برای تعلیم توحید به مشرکان می‌توان از آن استفاده کرد، اعتراف گرفتن از خود آن‌هاست، یعنی از معلومات و مقبولات آنان استفاده شود. بهتر است این مقبولات را به صورت سؤالی مطرح کنیم تا بدین ترتیب، هم آن‌ها را به آن چه که می‌دانند و قبول دارند، متذکر شویم و هم از آنان اعتراف بگیریم، تا شاید بدین وسیله متوجه اشتباه خود شوند.

هم چنین، شاید بتوان گفت که از این روش می‌توان برای مؤمنینی که دچار غفلت شده‌اند نیز استفاده کرد. می‌توان به وسیله‌ی طرح چند سؤال، مقبولات آنان را به خودشان یادآور شد و آنان را از خواب غفلت بیدار کرد.

ج) نتیجه‌گیری

روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در امر تعلیم توحید در قرآن از آن استفاده شده است. به کمک این روش می‌توان مخاطب را به تفکر واداشت و حس کنجکاوی را در او برانگیخت و با طراحی سؤالات برنامه‌ریزی شده و بهره‌گیری از معلومات خودشان، آنان را به نتیجه‌ی موردنظر رهنمون شد.

پی‌نوشت

۱. همان‌طور که جناب طبرسی و فخر رازی نیز اشاره کرده‌اند، از این آیه چنین استفاده می‌شود که خطاب در این آیه شامل همه مردم نبوده و بلکه فقط خطاب به کسانی است که رازقیت و مالکیت و تدبیر خداوند و اینکه همه امور جانب خداست اعتراف دارند بنابراین باید گفت که مخاطبین این آیه مشرکان می‌باشند.

منابع

۱. آقازاده، محرم. راهنمای روش‌های نوین تدریس (بر پایه‌ی پژوهش‌های مغز محور، ساخت‌گرایی، یادگیری از طریق هم‌یاری، فراشناخت...). آیزن. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۲. شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ چهارم. ۱۳۸۵.
۳. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. تهران. چاپ دوازدهم. ۱۳۸۵.
۴. برومند، سید مهدی. شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت. کتاب مبین. رشت. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۵. سروریان، حمیدرضا. «روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره‌ی عملی پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه و آله). ماه‌نامه‌ی آموزشی - اطلاع‌رسانی معارف. شماره‌ی ۴۴. اسفند ۱۳۸۵؛ برگرفته از: www.maarefmags.com.
۶. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). دارالمعرفه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۱۲ هـ. ق.
۷. گنابادی، سلطان محمد. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده (ج ۲). مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات بیروت. چاپ دوم. هـ. ق.
۸. ابوالفتح رازی، حسین‌بن‌علی. روح‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰). تحقیق. دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹. طوسی، محمدبن‌حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. با مقدمه‌ی شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی. دار احیاء التراث العربی. بیروت. [بی‌تا].
۱۰. ابن‌عاشور، محمدبن طاهر. التحریر و التنویر (ج ۱۱). [بی‌تا]. [بی‌تا].
۱۱. طبرسی، فضل‌بن‌حسن. تفسیر جوامع الجامع (ج ۵). انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم. تهران. ۱۳۷۷.
۱۲. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر. مفاتیح الغیب (ج ۱۷). دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۲۰ هـ. ق.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۱۷). دارالاحیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۲۰ هـ. ق.
۱۴. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن حسین. المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰). دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم. ۱۴۱۷ هـ. ق.
۱۵. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۲). دارالکتب العربی. بیروت. چاپ سوم. ۱۴۰۷ هـ. ق.

